

هروری بر پیامدهای اقتصادی - سیاسی قرارداد قاهره

تغذیه می‌شد و این البته سواي کمک‌های سرمایه‌داری بین‌المللی بهبود به اسرائیل بود. رهبران جهان عرب و بویژه گروه تندروی آنان هر جنگی را با امید به جبران شکست در جنگ قبلی آغاز می‌کردند. رفتار گروهی از آنان چون قماربازی بود که در پی باختی کلان بازمانده هستی‌اش را به بازی می‌گیرد.

در ماه مه ۱۹۶۷ عبدالناصر رئیس جمهوری مصر دبیرکل سازمان ملل متحد را زیر فشار قرارداد که نیروهایش را از غزه که بین دو ارتش اسرائیل و مصر مستقر شده بود فراخواند. دبیرکل سازمان ملل متحد روزها مقاومت کرد چون میدانست که نتیجه جنگ چه خواهد بود. سرانجام ناصر اعلام کرد ما مجبوریم به نیروهای سازمان ملل متحد نیز حمله کنیم. سازمان ملل متحد تسلیم فشار ناصر شد و نیروهایش را فرا خواند. ارتش اسرائیل فرصت جنبیدن به ارتش مصر نداد و طی شش روز صحرای سینا را تصرف کرد و به کانال سوئز رسید. در دو جبهه دیگر، جولان را از چنگ ارتش سوریه خارج کرد و به دروازه دمشق رسید و ارتش اردن را به آنسوی رود اردن و پل «النسی» عقب راند، بیت‌المقدس شرقی را اشغال کرد و به نحو حیرت‌آوری پایه‌های اسرائیل بزرگ را ریخت و صدها شهر و روستا را به قلمروی خود افزود.

طی ۲۷ سال صهیونیست‌ها در اسرائیل جان گرفتند و رفته رفته امر به آنها مشتبه شد که واقعا از سوئز تا فرات به یهودیان تعلق دارد و آنها می‌توانند اسرائیل بزرگ را به وجود آورند. اسرائیل از هیچ‌گونه خشونت علیه فلسطینی‌ها خودداری نکرد و اردوگاه‌های فلسطینی‌ها در صبرا و شتلا را به خاک و خون کشید و هزاران فلسطینی را طی تظاهرات کشت و یا مجروح کرد. اعراب سرزمینهای اشغالی از ابتدائی‌ترین حقوق‌شان محروم شدند و خانه‌های جنگجویان فلسطینی با خمپاره منفجر شد. رفتار اسرائیل با فلسطینی‌ها تحقیرآمیز، نفرت‌انگیز، غیرانسانی و برده‌وار شد و هر روز چهره زشت‌تری به خود گرفت. اسرائیلی‌ها امید داشتند که این رفتارها فلسطینی‌ها را مجبور کند

حتی تا لحظه امضاء، ساعتها بحث و مذاکره و تفسیر شده است چیست؟ بدون تردید افراطیون در دو جبهه فلسطین و اسرائیل علیه قرارداد قاهره پیکاری سخت پیش رو خواهند داشت زیرا که صلح با منافع افراطیون سازگار نیست. آنها معتقدند که زمان در جهت تحقق اهداف ایشان حرکت میکند و با گذشت زمان آرمان آنها تحقق می‌یابد.

روند و تابع تا ۱۹۷۳

پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی در نخستین جنگ جهانی، انگلستان قیم فلسطین شد. در نوامبر ۱۹۱۷ وزیر امور خارجه وقت انگلستان مهاجرت یهودیان را به فلسطین آزاد کرد. رفتار رژیم نازی علیه یهودیان، افکار جهان را به حمایت از آنها برانگیخت. جنگ دوم که پایان یافت صهیونیست‌ها که از پایان قرن نوزدهم زیر پرچم مذهب یهود برای ایجاد دولتی مذهبی تلاش می‌کردند، دست به بیکارهای خونین علیه نیروهای انگلستان و اعراب زدند. محرک آنها در این پیکار تفسیرهایی از تورات بود که بانیان صهیونیسم آن را ستون اصلی وحدت قوم بنی اسرائیل قرار داده بودند. اعمال تروریستی تروریستهای صهیونیست که مناهین بگین (نخست وزیر اسبق اسرائیل) یکی از آنها بود انگلستان را بستوه آورد. در نوامبر ۱۹۴۷ سازمان ملل متحد به توصیه انگلستان رأی به تقسیم فلسطین بین اعراب داد «بن‌گورین» فوراً تشکیل دولت مستقل یهود را اعلام کرد. اعراب پیشنهاد سازمان ملل متحد را نپذیرفتند و در مه ۱۹۴۸ ملک فاروق و ملک عبدالله (پدر ملک حسین) اقدام به جنگ با اسرائیل کردند. ارتش‌های منظم دو کشور از نیروی دولت جدید الولاده اسرائیل شکست خوردند و ناگزیر تن به پذیرفتن آتش‌بس پیشنهادی سازمان ملل متحد دادند.

در جنگهای ۱۹۵۵، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ اعراب مجدداً از اسرائیل شکست خوردند. چرا که خزانه مادی و معنوی یهودیان از پول و اندیشه آمریکای بزرگترین قدرت نظامی و مالی جهان.

سفته اسرائیل در زهدان اقتصاد بسته شد. در پایان جنگ جهانی دوم، فاجان اصلی - آمریکا و انگلیس - می‌گوشیدند. بیشترین سهم را نصیب خود کنند. دو خاورمیانه که عظیم‌ترین منابع نفتی را در خود جای داده بود این رقابت فزودنه‌تر جریان داشت. انگلیس می‌گوشید در سرزمین‌های تحت نفوذ فرانسه در این منطقه (بخش‌هایی از سوریه و لبنان) جای پای خود را محکم کند، غافل از آن که فاتح درجه اول جنگ (آمریکا) طرحی زیرکانه را در دست اجرا دارد: تشکیل کشوری به نام اسرائیل و با استفاده از ایدئولوژی شکست‌انگیزی به نام صهیونیسم. انگلیس با همکاری به خود آمدند که اسرائیل تولد یافته بود و از آن زمان به صورت پایتختی برای بسط منافع ابرقدرت جدید - آمریکا - در منطقه درآمد. نفت و دیگر منابع اقتصادی خاورمیانه که معدناً از سوی انگلیس‌ها کنترل و بهره برداری می‌شد، رفته رفته به کنترل آمریکاییان درآمد و از لحاظ اقتصادی و سیاسی وضع به جانی کشید که امروز شاهدیم: عربستان و دیگر سرزمین‌های نفت‌خیز عربی در کنترل مطلق آمریکا است. اما از سویی، اسرائیل به صورت نمدهای سرطانی درآمد که رجحان و روان حثت‌های منطقه ریشه دواند و ایران را در جنگ‌های مداوم، و تشنگ‌هایی پایان ناپذیر که به افراق هر چه بیشتر آنان نیز منجر شد، درگیر کرد. آخرین تحول عمده در این روند، انعقاد قرارداد صلح بین اسرائیل و فلسطینی‌هاست که در نوشتار زیر سیر تکاملی آن بررسی شده‌است. در برخی قسمت‌های نوشته، اظهار نظرهایی ارائه شده که استنباط‌های شخصی نویسنده است و نباید به عنوان نظریه و یا عقیده، ماهنامه تلقی شود.

نوشته: دکتر منصور تازاجی

«ناهن» در برابر دیوار ندبه، زیر آفتاب سوزان خم و راست میشود. شاپوی سیاه و پالتوی بلندش معرف آنست که از افراطیون مذهبی است. دانه‌های عرق از چهره‌اش فرو میریزد. تورات را می‌گشاید و از باب اول آن صحیفه یوشع را میخواند:

خدایوند «یوشع بن نون» خادم موسی را خطاب کرده گفت: «موسی بنده من وفات یافته‌است پس الان برخیز و از این آردن عبورکن. تو و تمامی این قوم، بزمینی که من بایشان یعنی بنی اسرائیل میدهم. هرچائیکه کف پای شما گذارده‌شود بشما داده‌ام چنانکه بموسی گفتم از صحرا و این لبنان تا نهر بزرگ یعنی نهر فرات تمامی زمین حیثان و تا دریای بزرگ بطرف مغرب آفتاب، حدود شما خواهد بود. هیچکس را در تمامی ایام عمرت یارای مقاومت با تو نخواهد بود.»

ناهن از خواندن باز می‌ایستد و پس از لحظه‌ای مکث با خشم میگوید: «اسحاق رابین» طرح اسرائیل بزرگ که خدایوند آن را از مصر تا فرات مقرر فرموده و بما بخشیده است در چهارم

خانه و کاشانه خود را رها ساخته و به مرور زمان سرزمینهای اشغالی فقط زیستگاه یهودیان شود.

رویدادهای بعد از ۱۹۷۳

رفتار یهودیان با مسلمانان موجی از نفرت در جهان به ویژه جهان عرب علیه اسرائیل برانگیخت. انور سادات در اکتبر ۱۹۷۳ خط بتون آرمه «بارلو» را که ژنرال «بارلو»ی اسرائیلی وجود آورده بود با خاک یکسان کرد. من که اندکی بعد، از این خط آتش که خط «ماژینو»^(۱) در برابر آن حقیر می نمود دیدن کردم از تحرک ارتش مصر در اکتبر ۱۹۷۳ به حیرت افتادم. اما نتیجه این جنگ چه شد؟ شکست انور سادات علیرغم پیشرفت اولیه. پس از جنگ، مهاجران یهودی که اکثر آنها صهیونیست و افراطیون مذهبی هستند امید بیشتری به ایجاد اسرائیل بزرگ یافتند. بعضی از این مهاجران به قدری تعصب دارند که حتی در اتوبوس زن و مرد آنها از هم جدا می نشینند و روز شنبه هرگز کار نمی کنند. آنها تورات گراهای پر و پا قرصی هستند.

دولت اسرائیل زمینهای اشغالی اعراب را به رایگان در اختیار مهاجران قرار داد و حکومتهای راست که با احزاب مذهبی ائتلاف کرده بودند همه گونه وسیله زندگی را در اختیار مهاجران قرار می دادند. امروز اکثر همین ۱۲۰ هزار مهاجر یهودی هسته اصلی پیکار علیه قرارداد صلح قاهره را تشکیل می دهند زیرا که در آینده باید زیر پرچم دولت فلسطین زیست کنند. «ناهون» و صدها هزار صهیونیست که در برابر دیوار «ندبه» به راز و نیاز با «یهوه» عنوان خدا در نزد یهودیان، می پردازند «اسحق رابین» و «شیمون پرز» را خائن می دانند زیرا معتقدند آنها رؤیای اسرائیل بزرگ را در ماه مه ۱۹۹۴ در قاهره در هم شکستند. در این سو نیز «یاسر عرفات» که از

یهودی را به مخاطره انداخت. نه مدرسه‌ای بنا شد و نه بیمارستانی. بیش از نیمی از مردم نوار غزه را بیکارانی تشکیل می داد که هر روز بیشتر به سازمانهای افراطی نظیر جهاد و حماس کشیده می شدند. جوانان که آینده‌ای در برابر خود نمی دیدند ارتش «انتفاضه» را هر روز نیرومندتر می کردند. مردم و دولت اسرائیل احساس کردند فاصله آنها با صلح هر روز بیشتر می شود. کشته و مجروح شدن بیش از ۲۲ هزار جوان فلسطینی توسط اسرائیل افکار عمومی جهان را علیه اسرائیل برانگیخت. در سال ۱۹۸۲ که یاسر عرفات و یاران او در لبنان زیر آتش گلوله‌های ارتش اسرائیل قرار



گرفتند و اجباراً بیروت را به کمک ناوگان فرانسه به سوی تونس ترک کردند اسرائیل تصور می کرد پرونده فلسطین برای همیشه بایگانی شده است. در سال ۱۹۷۰ و طی عملیاتی که در تاریخ با عنوان «سپتامبر سیاه» ثبت شده ملک حسین ۱۵ هزار فلسطینی را که معتقد بود سلطنت وی را به خطر انداخته اند بی پروا کشت. حافظ اسد که امروز دمشق را مبدل به پایتخت مخالفان عرفات کرده است چند سال بعد در هنگام ورود ارتش سوریه به لبنان هزاران فلسطینی را در تپه‌های اشرفیه به گلوله بست. سازمان آزادیبخش فلسطین از تاریخ آموخت که فلسطینی‌ها برای رسیدن به هدف باید متکی به نیروی خود باشند نه دیگران. در آن سونیز اسرائیلی‌ها دریافتند بدون صلح با فلسطینی‌ها هرگز روی امنیت نمی بینند و

سرزمین آنها همچنان در تنگنای رابطه اقتصادی و مبادلات بازرگانی قرار خواهد داشت. میانه‌روهای دو جبهه نیز متوجه شدند که با گذشت زمان، افراطیون اردوگاههای آنها نیرومندتر می شوند. در ژوئن ۱۹۹۲ اسحق رابین فاتح جنگ شش روزه ۱۹۶۷ و شیمون پرز رهبر حزب کارگر اسرائیل با شعار صلح در انتخابات پیروز شدند و حزب کارگر قدرت را در اسرائیل به دست گرفت. مذاکرات مقدماتی اسرائیل و فلسطین که طی کنفرانسی جهانی در سال ۱۹۹۱ در مادرید شروع شده بود با پیروزی حزب کارگر شدت بیشتری یافت.

مذاکرات پنهانی

نمایندگان «شیمون پرز» که بیش از رابین تشنه مذاکرات صلح با یاسر عرفات بود از ژانویه تا سپتامبر ۱۹۹۳ در نروژ محرمانه با نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین به مذاکره نشستند. سرانجام روز ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ رابین و عرفات در محوطه کاخ سفید واشنگتن منشور صلح بین دو ملت را امضاء کردند.

عرفات که دو بار نزد یکس «ابو جهاد» و «ابوایاز» در سالهای ۱۹۸۸ و ۱۹۹۱ به دست کماندوهای اسرائیل و «ابونضال» کشته شدند تنها در برابر سازمانهای تندروی حماس، جهاد، ژرژ حبیش، نایف حوآتمه، احمد جبرئیل، سرهنگ موسی و دیگران دفاع از صلح را به عهده گرفت. از ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ تا چهارم مه ۱۹۹۴ که قرارداد صلح بین عرفات و رابین در قاهره امضاء شد، راه پر فراز و نشیبی طی گردید. هر لحظه می رفت که امیدهای به صلح بر باد رود. لکن سرانجام قرارداد صلح به امضاء رسید. به موجب قرارداد «قاهره» اسرائیل متعهد است تا پایان سال ۱۹۹۴ کلیه سرزمینهای اشغالی را تخلیه کند. نه هزار پلیس فلسطینی (اعضای سابق ارتش آزادیبخش فلسطین) عهده‌دار حفظ امنیت شوند. در مرزهای بین غزه و

مصر و اریحا و اردن (پل النبی) مأموران امنیتی فلسطینی و اسرائیلی همکاری مشترک داشته باشند و نیروهای امنیتی دو ملت گشت‌های مشترکی در راهها انجام دهند. در زمینه‌های انرژی، اقتصاد، پول، آب و بازرگانی، اسرائیل و فلسطین همکاری خواهند کرد. مسئله شرق بیت‌المقدس که فلسطینی‌ها معتقدند پایتخت آینده آنها خواهد بود و اسرائیل اعلام کرده هرگز آنرا رها نمی‌کند در آینده مورد بحث و مذاکره قرار می‌گیرد. قرارداد قاهره فعلاً به فلسطینی‌ها اجازه نمی‌دهد در کشورهای خارجی سفارت داشته باشند. تا انتخابات آزاد و دموکراتیک در سرزمینهای اشغالی یک هیئت ۲۴ نفری توسط سازمان آزادیبخش فلسطین تعیین می‌گردد که باید قبلاً نام آنها به مقامات اسرائیلی اطلاع داده شود. این هیئت اداره «اریحا» و «غزه» را بر عهده گرفته و وضع قوانین و اخذ مالیات و اداره این بخش‌ها به عهده آنست. بجز پلیس فلسطین و اسرائیل هیچ گروه یا فردی حق داشتن سلاح نخواهد داشت. و این نکته‌ایست که همه گروه‌های تندروی فلسطینی با آن مخالفند.

راه بدون بازگشت

به رغم گروهی، قرارداد قاهره گام تازه‌ای در راه ایجاد دولت فلسطین است هر چند که این قرارداد هنوز به بسیاری از مسائل مورد اختلاف دو ملت از جمله آینده مهاجران یهودی پناهنده نمی‌دهد. اما راهی است بدون بازگشت و طرفین مجبورند همه تلاش خود را برای پیروزی آن به کار برند. ظاهر رهبران دو کشور از این ضرب‌المثل آگاهند که می‌گوید: «خرد از پستان خطا و اشتباه دیروز شیر می‌خورد»

قرارداد قاهره مخالفان سرسختی در جبهه تندروها از جمله «حماس» دارد، اما در جبهه طرفداران یاسر عرفات نیز گروهی انتقادی شدید به آن دارند هر چند که می‌دانند برای رسیدن به صلح و پایان دادن به زد و خورد راه دیگری جز امضاء قرارداد صلح قاهره وجود نداشت.

«محشروی» سخنگوی فلسطینی‌ها در مذاکرات با اسرائیل در مادرید و واشنگتن عضویت در کمیته اداره سرزمینهای اشغالی را نپذیرفت و

سازمان دفاع از حقوق بشر را به وجود آورد. او معتقد است: «قرارداد قاهره یک مصیبت است و کسانی که آنرا امضاء کردند راضی نیستند.» او می‌گوید: «قرارداد قاهره شبیه آنست که دستهای شمار را از پشت به بندند، چشمه‌پتان را به بندند آن وقت شمارا به دریا بیاندازند و امر کنند شناکن و بگویند توجه کن اگر غرق شوی کاملاً نابود خواهی شد.»

«صائب ایرکات» رئیس سابق هیئت نمایندگی مذاکرات دو جانبه اسرائیل معتقد است: فعلاً زمان بذل پاشیدن است نه جمع آوری محصول. او در فردای خروج نیروهای اسرائیل از غزه و اریحا گفت: «آنها همه چیز را با خود بردند حتی لامپ چراغ‌ها را. پلیس فلسطین موقتی حفظ نظم را به عهده گرفت که نه پول دارد و نه تجهیزات لازم. در ادارات تحویلی نه میز هست نه صندلی، همه اتاقها خالی است. او افزود: از سال ۱۹۶۷ که اسرائیل این بخش از فلسطین را اشغال کرد هرگونه پیشرفتی متوقف شده است. لوله کشی آب، توزیع برق، ساختن بیمارستان و مدرسه و همه تأسیسات دیگر را باید از صفر شروع کرد. آنها پمپ‌ها و حتی منابع آب را با خود بردند. در مجموع اوضاع بسیار حساس است. لکن ما به اداره کنندگان جدید سرزمینهای اشغالی شانس بازسازی می‌دهیم.»

نوار غزه با ۸۰۰ هزار نفر جمعیت فقط ۱۸ قاضی و ۴۴ وکیل دارد. «محشروی» در سخن دیگری گفت: «آلونی» وزیر فرهنگ اسرائیل به او گفته است: اگر در سال ۱۹۴۸ چنین قراردادی به اسرائیل پیشنهاد می‌شد ما با کمال میل آنرا می‌پذیرفتیم و دولت اسرائیل به وجود نمی‌آمد و هزاران نفر طی زمانی نزدیک به ۵۰ سال کشته و مجروح نمی‌شدند. یکی دیگر از اعضای هیئت نمایندگی فلسطین گفت: «اسرائیلی‌ها نفوذ، کنترل و قدرت تصمیم‌گیری را برای خود حفظ کرده‌اند ولی بالاخره باید از جایی شروع می‌کردیم. و قرارداد قاهره نقطه شروع است.»

رهبران تندروی مذهبی ۱۲۰ هزار مهاجر اسرائیلی در سرزمینهای اشغالی معتقدند: «ورود پلیس فلسطین در اریحا» و «غزه» سرآغاز پایان اسرائیل است. از امروز ما عزادار هستیم زیرا سرزمین پدرانمان را به دشمن واگذار می‌کنیم و افسران فلسطین مأمور محافظت کنس

شده‌اند و این یک فاجعه است.»

«مناهن کوریبک» ۳۶ ساله که در سال ۱۹۷۶ از بلژیک به اسرائیل آمده است می‌گوید: «دولت خود مختار فلسطین کم کم مبدل به دولت مستقل فلسطین خواهد شد و ما علیه این استقلال است که باید بجنگیم. سرزمین فلسطینی‌ها در آن سوی پل النبی یعنی اردن کنونی است»

از آنسو ساکنان سرزمینهای اشغالی که در سال ۱۹۸۲ دیدند چگونه جنگجویان فلسطینی از لبنان رانده شدند، به هنگام ورود پلیس فلسطین به غزه و اریحا تصور می‌کردند یک فیلم سینمایی می‌بینند. اکثر افراد پلیس کسانی هستند که اجباراً جلای وطن کردند و اعضای خانواده آنها سالها در «انتفاضه» علیه اسرائیل جنگیده‌اند. هنگامی که پلیس فلسطین وارد اریحا و غزه شد خویشان و دوستانشان آنها را در آغوش گرفتند و همه جا پرچم فلسطین باهتزاز درآمد و در هر دو منطقه فریاد شادی و سرور به آسمان برخاست.

صهیونیستها می‌گویند: «قرارداد قاهره شبیه قراردادی است که پیغمبر اسلام «ص» در سال ۶۲۸ با قبیله قریش در مکه بست لکن دو سال بعد همه مکه را زیر کنترل خود در آورد.»

مخالفان سرسخت قرارداد قاهره در دو جبهه اسرائیل و فلسطین تندروهای یهودی و مسلمان‌اند. هر دو گروه یهودگرا و اسلام‌گرا زیر یک شعار متحد شده‌اند. نبرد علیه قرارداد قاهره. ولی آیا آنها موفق خواهند شد عقربه زمان را به عقب بازگردانند؟ سوالی است که باید مورد بررسی قرار گیرد.

بدون تردید تا زمانی که بین اسرائیل، لبنان، سوریه، و اردن قرارداد صلح امضاء نشده است نمی‌توان به ادامه حیات قرارداد قاهره امید قطعی بست. به نظر موافقان، قرارداد قاهره درجبهه تازه‌ایست به سوی صلح، شکوفایی اقتصاد و استقرار آرامش نسبی در خاورمیانه.

فلسطینی‌ها معتقدند ایجاد دولتی تازه در قلب خاور میانه که شیوه حکومتی آن، لائیک، دموکراتیک و صلح جوست چهره تازه‌ای به منطقه خواهد داد. بدون تردید بسیاری از دولتهای خاور میانه به سختی چنین حکومتی را تحمل خواهند کرد، و به

همین جهت در راه ایجاد آن کار شکنی می‌کنند. در شرایط کنونی که فلسطینی‌ها بیش از هر زمان برای راه انداختن چرخهای حکومت فلسطین نیاز مالی دارند کشورهای عربی کمکی به آنها نمی‌کنند. حتی بنزین ماشینهایی پلیس فلسطین در اریحا و غزه را مردم تأمین می‌کنند. در چنین شرایطی دولت فلسطین مصمم است آرام، آرام حاکمیت خود را تثبیت کند.

به گفته یک مقام فلسطینی مهمترین خطری که در حال حاضر قرارداد قاهره را تهدید می‌کند مسئله ۱۲۰ هزار مهاجر یهودی مقیم سرزمینهای اشغالی و رفتار تندروهای مذهبی در دو جبهه است.

تلاش صهیونیسم آن است که بیکار اسرائیل و فلسطین را مبدل به بیکار بین فلسطینی‌های میانه رو و تندرو کند.

هدف آنست که در آینده این پلیس فلسطین باشد که اعضای حماس و جهاد اسلامی و غیره را به رگبار مسلسل به بندد نه سرباز اسرائیلی. آیا آنها باین هدف خواهند رسید؟ این بستگی به هوشیاری نیروهای تندرو دارد. از سونی اگر دولت فلسطین نتواند سریعاً مسئله فقر، بیکاری و عقب افتادگی اقتصادی سرزمینهای اشغالی را حل کند بعید نیست فلسطین سرنوشتی نظیر الجزایر و مصر پیدا کند.

لکن تجربه طولانی رهبران فلسطین طی سالها آوارگی و نبرد علیه اسرائیل، آنها را آبدیده کرده است. آنها می‌دانند که امنیت، توسعه اقتصادی و آزادیهای دموکراتیک پایه‌های هرم رژیم حکومتی آنان است و تولد چنین حکومتی در قلب خاورمیانه چهره منطقه را در آغاز هزاره سوم میلادی تغییر می‌دهد. به ویژه که مردم منطقه کم کم درمی‌یابند برای قرارداد قاهره جایگزین دیگری جز تکرار جنگ و گریزها وجود ندارد.

پاریس - سپتامبر ۹۴



۱- خط دفاعی ماژینو را فرانسوی‌ها در فاصله بین جنگ اول و دوم جهانی در مرزهای خود با آلمان ساختند. استحکامات این خط و تجهیزات آن چنان عظیم و پیچیده بود که گمان می‌رفت ارتش آلمان هرگز موفق به شکستن آن نخواهد شد. اما آلمانی‌ها با تاکتیکی حیرت‌آور این خط را از طریق بلژیک و مناطقی دیگر دور زدند و فرانسه را طی چند روز به زانو درآوردند.